



Mystical Analysis of the Narrative Proposition "Had it not been for Fāṭimah, I would not have created the two of you" and Elucidating its Compatibility with the Ranks of Prophethood and Imamate

Mehdi Ebadi¹

1. Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Theology and Islamic Studies, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. E-mail: mehdiebadi@um.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received: 13
October 2025
Revised: 17
November 2025
Accepted: 31
January 2026
Available online
16 February 2026

Keywords:
Lady Fāṭimah (PBUH), Hadīth "Had it not been for Fāṭimah, I would not have created the two of you", Ontological Guardianship, the Perfect Man.



ABSTRACT

The renowned Divine Saying (Hadīth al-Qudsī) or Prophetic tradition: "Had it not been for you, I would not have created the celestial spheres; and had it not been for Ali, I would not have created you; and had it not been for Fāṭimah, I would not have created the two of you" is among the narrations cited in Islamic sources to express the status and station of the Ahl al-Bayt (PBUT), particularly Lady Fāṭimah (PBUH). This proposition, specifically its concluding segment, has consistently garnered the attention of Muslim thinkers, especially the gnostics (urafā'), raising the mystical inquiry: How can the role of Lady Fāṭimah (PBUH) be elucidated as the final cause for the creation of the Prophet (PBUH) and Imam Ali (PBUH) within the specific context of this tradition? The present article, employing a descriptive-analytical method grounded in the principles of Islamic Theoretical Gnosis, analyzes the esoteric and mystical significations of this proposition. In this regard, following a brief survey of the sources and primary semantic layers of the hadīth, key mystical principles and concepts—such as the levels of divine manifestations, the perfect man, ontological guardianship (wilāyah al-takwīniyyah), and the role of the "Divine Feminine Principle" in the cosmic order—are discussed. Subsequently, citing the views of prominent Gnostics, the station of Lady Fāṭimah (PBUH) is elucidated as the supreme manifestation of divine names and attributes, the final cause for the continuity of the Light of Prophethood within the lineage of the Imamate, and the intermediary of grace in the ontological system. Key research findings indicate that this hadīth does not signify the ontological superiority of Lady Fāṭimah (PBUH) over the Prophet (PBUH) and Imam Ali (PBUH) in all dimensions, but rather emphasizes her existential centrality, peerless role, and unique necessity in the complete realization of the final cause of creation and the perpetuation of divine guidance from a mystical perspective. Within this framework, Lady Fāṭimah (PBUH) is the ultimate manifestation of servitude and absolute receptivity for the reception of divine grace, without contradicting the overall superiority of the Prophet as the comprehensive Perfect Man. This analysis contributes to a more profound understanding of the station of Lady Fāṭimah (PBUH) within the mystical geometry of the universe.

Cite this article: Ebadi, M. (2025). Mystical Analysis of the Narrative Proposition "Had it not been for Fāṭimah, I would not have created the two of you" and Elucidating its Compatibility with the Ranks of Prophethood and Imamate. *Hadith Doctrines*, 9(18), 111-127. <https://doi.org/10.30513/hd.2026.7601.1317>



© The Author(s).

Publisher: Razavi University of Islamic Sciences.



واکاوی عرفانی گزاره حدیثی «لَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُكُمْ» و تبیین سازگاری آن با مراتب نبوت و امامت

مهدی عبادی

۱. نویسنده مسئول، استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی شهید مطهری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. رایانامه: mehdiebadi@um.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	حدیث قدسی یا نبوی مشهور «لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلاكَ، وَ لَوْلَا عَلِيٌّ لَمَا خَلَقْتُكَ، وَ لَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُكُمْ» از جمله احادیثی است که در بیان شأن و منزلت اهل بیت (ع)، به ویژه حضرت فاطمه زهرا (س)، در منابع اسلامی نقل شده است. این گزاره، به خصوص بخش پایانی آن، همواره مورد توجه اندیشمندان مسلمان، به ویژه عرفا، قرار گرفته و همواره مورد سؤال بوده که از منظر عرفانی، چگونه می‌توان نقش حضرت فاطمه (س) را به عنوان علت غایی برای آفرینش پیامبر (ص) و امام علی (ع) (در سیاق خاص این حدیث) تبیین کرد؟ مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر مبانی عرفان نظری اسلامی، به واکاوی معانی باطنی و عرفانی این گزاره حدیثی می‌پردازد. در این راستا، پس از بررسی اجمالی منابع ولایه‌های معنایی اولیه حدیث، اصول و مفاهیم کلیدی عرفانی مانند مراتب تجلیات الهی، انسان کامل، ولایت تکوینی و نقش «اصل مؤث الهی» در نظام آفرینش مورد بحث قرار می‌گیرد. سپس، با استناد به آرای برخی از بزرگان عرفان، جایگاه حضرت فاطمه (س) به عنوان مظهر اتم اسماء و صفات الهی، علت غایی برای تداوم نور نبوت در سلسله امامت و واسطه فیض در نظام تکوین تبیین می‌شود. نتایج کلیدی پژوهش نشان می‌دهد که این حدیث، نه بیانگر برتری رتبی وجودی حضرت فاطمه (س) بر پیامبر (ص) و امام علی (ع) در همه جهات، بلکه تأکیدی بر محوریت وجودی، نقش بی‌بدیل و ضرورت منحصر به فرد ایشان در تحقق کامل غایت آفرینش و استمرار هدایت الهی از منظر عرفانی است؛ جایی که فاطمه (س) مظهر نهایی عبودیت و قابلیت محضه برای پذیرش فیض الهی است، بدون نقض برتری کلی پیامبر (ص) به عنوان انسان کامل جامع. این واکاوی به فهم عمیق‌تری از جایگاه حضرت صدیقه طاهره (س) در هندسه عرفانی عالم هستی کمک می‌کند.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۲۱	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۲۶	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۱	
تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۱۱/۲۷	
کلیدواژه‌ها:	
حضرت فاطمه (س)، حدیث لولاک، «لولا فاطمه لَمَا خَلَقْتُكُمْ»، ولایت تکوینی، انسان کامل.	

استناد: عبادی، مهدی. (۱۴۰۴). واکاوی عرفانی گزاره حدیثی «لَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُكُمْ» و تبیین سازگاری آن با مراتب نبوت و امامت، (۱۸)۹، ۱۱۱-۱۲۷. <https://doi.org/10.30513/hd.2026.7601.1317>



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

مقدمه

هدف پژوهش: هدف اصلی این مقاله، ارائه تحلیلی عرفانی از گزاره حدیثی مذکور با تکیه بر مبانی عرفان نظری اسلامی است تا نقش حضرت فاطمه (س) به عنوان علت غایی و واسطه فیض در استمرار هدایت الهی تبیین شود، بدون تعارض با مقام برتر پیامبر (ص) و امام علی (ع)، و با ارائه چارچوبی منسجم برای فهم این معارف.

سؤال اصلی: از منظر عرفانی، چگونه می‌توان نقش حضرت فاطمه (س) را به عنوان علت غایی برای آفرینش پیامبر (ص) و امام علی (ع) در سیاق این حدیث تفسیر کرد، بدون تضاد با مراتب برتر آنان؟ حضرت فاطمه (س) مظهر کدام اسماء و صفات الهی و دارای چه جایگاه تکوینی است؟ و چگونه تحلیل عرفانی به فهمی منسجم از این گزاره کمک می‌کند، با توجه به پیشینه پراکنده پژوهش‌ها؟

پیشینه پژوهش: این حدیث در کتب روایی و فضائل اهل بیت (ع) مکرر نقل شده است؛ مانند بحار الانوار علامه مجلسی (۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۱۰۵) که به نقل و توضیح آن از منابعی مانند مصباح الانوار پرداخته است. مضامین مشابه در منابع متقدم شیعی مانند علل الشرایع شیخ صدوق (متوفی ۳۸۱ق) دیده می‌شود، اما عبارت دقیق در متون متأخری مانند جنة العاصمه میرجهانی (۱۴۱۸، ص ۱۴۸) از کشف اللثالی صالح بن عبدالوهاب عرندس نقل شده است. در دوران معاصر، امام خمینی (ره) در بیانات عرفانی مانند شرح دعای سحر (۱۳۷۸) و آیت الله جوادی آملی در آثارشان (مانند فاطمه زهرا بهجة قلب المصطفی، ۱۳۸۷) به تبیین عرفانی این حدیث اشاراتی داشته‌اند، با تمرکز بر عبودیت فاطمه (س) به عنوان غایت نبوت. همچنین، در برخی شروح عرفانی بر ادعیه و زیارات، مانند مصباح الهدایه امام خمینی، به این مضمون پرداخته شده است. هرچند برخی پژوهش‌های معاصر بر ضعف سند تأکید دارند (امامی فر، ۱۳۹۵، ش ۲۳، ص ۲۳-۳۷)، برخی دیگر بر محتوای همخوان با معارف شیعی تأکید می‌کنند (گرامی، ۱۳۸۱، «درباره حدیث لولا فاطمه»). با این حال، پژوهشی مستقل و متمرکز که صرفاً به واکاوی ابعاد مختلف عرفانی این گزاره حدیثی بپردازد و آراء و

تحلیل‌های پراکنده را در یک چارچوب منسجم ارائه دهد، کمتر به چشم می‌خورد؛ برای نمونه، جوادی آملی بر تمثیل باغبانی تمرکز دارد، اما ترکیب آن با اصل مؤنث الهی (مطرح شده از سوی ابن عربی) پراکنده است.

نقطه امتیاز پژوهش: این مقاله در پی آن است که گامی در جهت پر کردن این خلأ بردارد، با نوآوری در یکپارچگی آراء پراکنده (مانند ترکیب ولایت تکوینی طباطبایی با علت غایی ملاصدرا) و ارائه تحلیلی که تعارض ظاهری با افضلیت پیامبر (ص) را حل می‌کند، چیزی که در پژوهش‌های قبلی با این دقت دیده نمی‌شود.

روش پژوهش: روش این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است که بر پایه مطالعه کتابخانه‌ای و تحلیل متون عرفانی و روایی استوار است. ابتدا متن حدیث و منابع آن بررسی شده، سپس با تبیین اصول مرتبط در عرفان نظری، به تحلیل و تفسیر عرفانی گزاره حدیثی پرداخته می‌شود.

۱. مبحث اول: منابع و لایه‌های معنایی حدیث «لولا فاطمه»

۱-۱. متن حدیث و سند آن

یکی از صورت‌های مشهور این حدیث که به عنوان حدیث قدسی یا در سیاق معراج پیامبر (ص) نقل شده، چنین است:

«يَا أَحْمَدُ! لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاقَ، وَ لَوْلَا عَلِيٌّ لَمَا خَلَقْتُكَ، وَ لَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُكُمْ»؛

«ای احمد! اگر تو نبودى افلاک را نمى آفریدم، و اگر علی نبود تو را نمى آفریدم، و اگر فاطمه نبود شما دو تن را نمى آفریدم».

این مضمون با الفاظ و اسناد مختلف در منابع روایی و تاریخی ذکر شده است. گاهی این حدیث به صورت کلامی از جانب یکی از معصومین (ع) در بیان شأن حضرت زهرا (س) نیز نقل شده است.

۲-۱. منابع حدیث

این حدیث و مضامین مشابه آن در کتب روایی و تاریخی شیعه و برخی منابع اهل سنت آمده است. از جمله منابع شیعی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- کشف الغمة فی معرفة الأئمة، علی بن عیسی الأربلی (متوفی ۶۹۳ق) (اربلی،

واکوی عرفانی گزاره حدیثی «لَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُكُمْ» و تبیین سازگاری آن با مراتب نبوت و امامت/ مهدی عبادی ۱۱۵

بی تا، ج ۱، ص ۴۶۸؛ به نقل از کتابی به نام «کتاب المولود» و «کتاب المعراج».

• بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، علامه محمدباقر مجلسی (متوفی ۱۱۱۱ق) (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۵، ص ۲۸؛ ج ۱۶، ص ۴۰۵؛ ج ۲۶، ص ۳۳۵؛ ج ۴۳، ص ۱۰۵؛ ج ۵۳، ص ۱۹۱؛ ج ۵۷، ص ۱۹۶؛ ج ۷۴، ص ۱۱۲؛ ج ۱۰۰، ص ۲۰۰). علامه مجلسی این حدیث را از منابع مختلفی نقل می کند، از جمله از «مصباح الأنوار» (منسوب به شیخ طوسی یا فرزندش) و دیگر کتب.

• عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال، شیخ عبدالله بحرانی اصفهانی (شاگرد علامه مجلسی) (بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳، ج ۱۱ (قسم المتعلق بفاطمة الزهراء)، ص ۴۴).

• اللجنة العاصمة، میرجهانی (میرجهانی، ۱۴۱۸، ص ۱۴۸).

• ینابیع المودة لذوی القربی، سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی (متوفی ۱۲۹۴ق) که از علمای اهل سنت است، نیز مضمونی نزدیک به این حدیث را نقل می کند و به منابعی چون خوارزمی و دیگران اشاره دارد (قندوزی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۴۴ و ص ۲۲۷؛ اگرچه در برخی از این نقلها ممکن است تمام فراهای حدیث ذکر نشده باشد).

در کتاب ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی محب الدین طبری شافعی (متوفی ۶۹۴ق) نیز به فضائل حضرت فاطمه (س) و ارتباط آن با خلقت پرداخته شده است (طبری، بی تا، ص ۴۴).

۱-۳. بررسی سندی اجمالی

بحث سندی حدیث «لولاک» و به ویژه فراز مربوط به حضرت فاطمه (س)، مانند بسیاری از احادیث فضائل، مورد گفتگوی رجالیان و محدثان بوده است. برخی علمای اهل سنت در اسناد بخش هایی از این حدیث یا احادیث مشابه مناقشه کرده اند. اما در منابع شیعه، این حدیث و مضامین مؤید آن با اسناد متعدد و از طرق مختلف نقل شده و مورد پذیرش و استناد بسیاری از علما قرار گرفته است (بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳، ج ۱۱، ص ۴۴-۴۵).

برای نمونه، یکی از طرق مورد اعتماد، نقل علامه مجلسی در بحار الأنوار (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۵، ص ۲۸) است که از کتاب مصباح الأنوار (منسوب به شیخ طوسی یا

فرزندش) آورده شده؛ در این سند، حدیث از طریق امام صادق (ع) با راویان معتبری مانند زراره بن اعین گزارش شده است. طرق دیگر شامل نقل از کشف الغمّه اربلی (اربلی، بی تا، ج ۱، ص ۴۶۸) از کتاب المعراج، و عوالم العلوم بحرانی (بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳، ج ۱۱، ص ۴۴) از منابع مختلفی مانند جنة العاصمه میرجهانی (میرجهانی، ۱۴۱۸، ص ۱۴۸) که از کشف اللثالی صالح بن عبدالوهاب عرندس (قرن هشتم) گرفته شده، می باشد. همچنین، در مستدرک سفینه البحار (ج ۳، ص ۳۳۴) از مجمع النورین فاضل مرندی، و ضیاء العالمین جد صاحب جواهر (متوفی ۱۲۲۷ق) نقل شده است. اگرچه برخی راویان مجهول هستند (احتمالاً به دلیل تقیه)، اما این طرق متعدد برای قضاوت خواننده ارائه می شود.

در مورد استناد علما، علامه مجلسی آن را پذیرفته و در بحارالانوار شرح داده است. رحمانی همدانی در فاطمة الزهرا بهجة قلب المصطفی (رحمانی همدانی، ۱۳۷۸، ص ۱۱۵-۱۲۵) به آن استناد کرده و برخی علما در تحلیل های عرفانی همواره مضمون آن را با معارف شیعی همخوان می شمارند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۳). آیت الله شبیری زنجانی نیز سند را ضعیف اما محتوای آن را قابل دفاع می داند، زیرا با روایات متواتر درباره واسطه گری اهل بیت (ع) در فیض الهی سازگار است (شبیری زنجانی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۶۸۵). امام خمینی (ره) در شرح دعای سحر (خمینی، ۱۳۷۸، ص ۵۰-۵۵) به مضمون آن اشاره دارد. با صرف نظر از بحث های سندی تفصیلی که مجال دیگری می طلبد، آنچه در این پژوهش اهمیت دارد، توجه به مضمون بلند حدیث و ظرفیت آن برای تأویل و تفسیر عرفانی است؛ به ویژه که مضمون آن با آیات قرآن (مانند کوثر) و احادیث متواتر دیگر درباره مقام حضرت فاطمه (س) هم راستا و قابل تبیین است.

۱-۴. لایه های معنایی اولیه حدیث

پیش از ورود به تحلیل عرفانی، به برخی از معانی و دلالت های اولیه که از این حدیث استفاده می شود، اشاره می کنیم:

تأکید بر مقام فوق العاده حضرت فاطمه (س): این حدیث به روشنی بیانگر آن است که وجود مقدس حضرت فاطمه (س) در پیشگاه الهی از چنان عظمت و جایگاهی برخوردار است که گویی آفرینش دو شخصیت برتر عالم امکان، یعنی

پیامبر خاتم (ص) و امیر مؤمنان (ع)، در پرتو وجود ایشان معنا و غایتی خاص می‌یابد.

نقش محوری در استمرار رسالت و امامت: حضرت فاطمه (س) به عنوان «ام الأئمه» (مادر امامان معصوم)، حلقه وصل میان نبوت و امامت و یگانه طریق استمرار نسل پاک پیامبر (ص) و سلسله هدایت الهی پس از ایشان است. از این منظر، وجود ایشان برای تحقق کامل برنامه الهی در هدایت بشر، ضرورتی تکوینی دارد.

کوثر بودن حضرت فاطمه (س): بسیاری از مفسران، این حدیث را با سوره کوثر و شأن نزول آن درباره حضرت فاطمه (س) مرتبط دانسته‌اند. «کوثر» به معنای خیر کثیر و فراوان است و بارزترین مصداق آن، وجود بابرکت حضرت زهرا (س) و نسل طاهر ایشان است که مایه بقای دین و آیین پیامبر (ص) شدند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۳۷۰-۳۷۱).

بیان تمثیلی و تأکید بر محوریت: همان‌گونه که در طرح اولیه نیز اشاره شد، این حدیث را نباید به معنای علیت فاعلی یا برتری ذاتی مطلق حضرت فاطمه (س) بر پیامبر (ص) و امام علی (ع) در همه مراتب وجودی دانست. بلکه این بیان، بیشتر ناظر به یک محوریت خاص در نقشه الهی، یک نقش بی بدیل در تحقق غایت آفرینش و یک ضرورت وجودی برای استمرار فیض هدایت است. این معانی اولیه، خود زمینه‌ساز تأملات عمیق‌تر عرفانی درباره حقیقت وجودی حضرت فاطمه (س) و جایگاه ایشان در نظام هستی است.

۲. مبحث دوم: اصول و مبانی عرفانی مرتبط با فهم حدیث

برای واکاوی عرفانی حدیث «لَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُكُمْ»، نیازمند آشنایی با برخی اصول و مفاهیم بنیادین در عرفان نظری هستیم که به عنوان ابزار تحلیل به کار گرفته می‌شوند. این اصول نه تنها گزارش می‌شوند، بلکه با تحلیل ارتباط آن‌ها با حدیث، به فهم عمیق‌تر کمک می‌کنند:

مراتب تجلیات الهی و نظام آفرینش: از منظر عرفان، عالم هستی چیزی جز تجلی اسماء و صفات الهی نیست. خداوند متعال از مقام غیب الغیوبی ذات

احدیت، در مراتب مختلف تنزل کرده و از طریق اسماء و صفات خود، اعیان ثابت و سپس عوالم خارجی را پدید آورده است (ابن عربی، بی‌تا، فص آدمی؛ قیصری، ۱۳۷۵، ص ۵۰-۷۰). هر موجودی مظهر یک یا چند اسم الهی است و کمال هر موجود در میزان ظهور آن اسماء در اوست. در ارتباط با حدیث، این اصل نشان می‌دهد که حضرت فاطمه (س) مظهر اتم اسماء جمالی الهی (مانند اللطیف و الرحمن) است، که بدون آن، تجلی کامل انوار محمدی (ص) و علوی (ع) در نظام آفرینش محقق نمی‌شود؛ یعنی فاطمه (س) به عنوان برزخ میان احدیت و واحدیت، نقش محوری در سریان فیض دارد و حدیث بر این ضرورت وجودی تأکید می‌کند.

انسان کامل: انسان کامل در عرفان نظری، موجودی است که جامع همه اسماء و صفات الهی و مظهر اتم و اکمل خداوند در عالم است. او نسخه جامع عالم صغیر (انسان) و عالم کبیر (هستی) و واسطه فیض میان حق و خلق است (جیلی، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۲۶-۲۸). پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) به عنوان مصادیق اتم انسان کامل شناخته می‌شوند. تحلیل: در این حدیث، انسان کامل (پیامبر و علی) غایت اولیه آفرینش است، اما فاطمه (س) به عنوان مظهر جمالی انسان کامل، شرط استمرار این کمال در سلسله امامت است؛ بدون این مظهر، کمال انسان کامل در عالم کثرت ناقص می‌ماند. این تحلیل با آرای جوادی آملی در فاطمه زهرا بهجه قلب المصطفی همخوان است.

ولایت تکوینی: ولایت در عرفان دو جنبه اصلی دارد: ولایت تشریحی (راهبری و هدایت مردم در امور دینی و دنیوی) و ولایت تکوینی (قدرت تصرف در امور عالم به اذن الهی و نقش واسطه‌ای در نظام آفرینش و فیض‌رسانی). انسان کامل دارای هر دو جنبه ولایت است و از طریق ولایت تکوینی خود در حفظ و تدبیر عالم نقش دارد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۳۶۶-۳۶۷، ذیل مائده/۵۵). تحلیل: حدیث «لولا فاطمه» بر ولایت تکوینی فاطمه (س) دلالت دارد، جایی که ایشان واسطه فیض برای تداوم ولایت علوی در امامان است؛ این نقش تکوینی، بدون تعارض با ولایت تشریحی پیامبر، ضرورت وجودی برای کامل شدن نظام فیض الهی است و تحلیل آن با روایات متواتر مانند حدیث کساء سازگار است.

علت غایی: در فلسفه و عرفان، علت غایی به معنای هدف و سرانجام یک فعل یا یک موجود است. علت غایی در وجود ذهنی، مقدم بر سایر علل (فاعلی، مادی، صوری) و در وجود خارجی، مؤخر از آن‌هاست. به عبارت دیگر، هدف و غایت یک چیز، محرک اصلی برای ایجاد آن است. در نظام آفرینش، انسان کامل به عنوان غایت خلقت معرفی شده است (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۲، ص ۲۸۱-۲۸۲).

تحلیل: این اصل مستقیماً با حدیث مرتبط است؛ فاطمه (س) علت غایی برای آفرینش انوار محمدی و علوی است، زیرا بدون استمرار هدایت از طریق نسل ایشان (امامت)، غایت خلقت (هدایت مستمر بشر) محقق نمی‌شود؛ تمثیلی که جوادی آملی با باغبانی توصیف می‌کند.

اصل مؤنث الهی و نقش آن: در برخی نظام‌های عرفانی، به‌ویژه در عرفان ابن عربی، مفهوم «مؤنث» نه صرفاً در معنای جنسیتی، بلکه به عنوان یک اصل کیهانی و نمادی از قابلیت، پذیرندگی، خلاقیت، رحمت و جنبه بطون و سریان فیض الهی مطرح می‌شود. این اصل مؤنث در کنار اصل مذکر (نماد فاعلیت، ظهور و جنبه بطش) در تحقق کامل تجلیات الهی نقش دارد (کربن، ۱۳۷۳، ص ۲۰۵-۲۱۵). شخصیت حضرت فاطمه (س) در این چارچوب می‌تواند به عنوان تجلی برتر این اصل الهی در عالم انسانی تفسیر شود. تحلیل: در حدیث، فاطمه (س) نماد قابلیت محضه برای پذیرش و پرورش فیض محمدی است؛ بدون این اصل، ظهور کامل فیض در عالم کثرت (امامت) امکان‌پذیر نیست. این تفسیر با تأکید امام خمینی بر فاطمه (س) به عنوان «مادر همه ممکنات» همخوان است.

حقیقت محمدیه (الحقیقة المحمدية): نخستین تعین و تجلی ذات الهی که از آن به عنوان عقل اول، قلم اعلی یا نور محمدی نیز یاد می‌شود. این حقیقت، اصل و ریشه همه موجودات و واسطه فیض الهی به عالم است. سایر انبیا و اولیا، مظاهر و مراتب این حقیقت کلیه هستند (آملی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۸۴-۱۹۰).

تحلیل: حقیقت محمدیه اصل فیض است که در حدیث «لولاک» به عنوان علت اولیه آفرینش معرفی می‌شود، اما استمرار آن در عالم از طریق فاطمه (س) - به عنوان حلقه وصل به امامت - محقق می‌گردد؛ بدون فاطمه، این حقیقت نوری در سلسله

هدایت بشر تداوم نمی‌یابد. این معنا با روایات نور محمدی در اهل بیت (ع) سازگار است.

با در نظر گرفتن این اصول، می‌توان به تحلیل عمیق‌تری از حدیث «لولا فاطمه» دست یافت.

۳. مبحث سوم: واکاوی عرفانی گزاره «لَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُكُمْ»

این گزاره حدیثی، با توجه به اصول عرفانی پیش گفته، می‌تواند از زوایای مختلفی مورد تأویل و تفسیر قرار گیرد:

۳-۱. حضرت فاطمه (س)؛ مظهر اتم اسماء جمال و لطف الهی و اصل قابلیت

در نظام اسماء الهی، برخی اسماء به جلال و قهر و برخی دیگر به جمال و لطف بازمی‌گردند. اگر پیامبر اکرم (ص) مظهر اسم اعظم «الله» و جامع جمیع اسماء و صفات (اعم از جلالی و جمالی) هستند و امیر مؤمنان (ع) مظهر خاص ولایت کلیه و اسماء جلالی و علمی الهی، حضرت فاطمه (س) می‌تواند به عنوان مظهر اتم اسماء جمالی، لطفی و رحمت و اسعۀ الهی در نظام تجلیات تفسیر شود.

از منظر عرفانی، تحقق هر فعلی نیازمند فاعل و قابل است. اگر حقیقت محمدیه (ص) و علویه (ع) به عنوان اصول فاعلی نیازمند فاعل و قابل است. اگر حقیقت در نظام فیض الهی در نظر گرفته شوند، حقیقت فاطمی (س) می‌تواند نماد «قابلیت محضه» و «مادر همه ممکنات» (ام‌الامکان) در پذیرش و پرورش این فیض و تجلی آن در عالم کثرت، به ویژه در قالب امامان معصوم (ع) باشد. بدون این قابلیت تام و تمام، فیض الهی آن‌گونه که باید در عالم ساری و جاری نمی‌شد و غایت خلقت محقق نمی‌گردید. بنابراین، «لولا فاطمه» یعنی اگر این اصل قابلیت و این مظهر رحمت و جمال نبود، ظهور کامل انوار محمدی و علوی در قالب سلسله امامت و تحقق غایت خلقت از این طریق امکان‌پذیر نمی‌بود.

ایشان را مظهر اسم «اللطیف» (لطافت بخش) یا «المبین» (آشکارکننده حقایق) یا حتی «الفاطر» (شکافنده و پدیدآورنده) در معنایی خاص دانسته‌اند؛ فاطر از این جهت که ظلمت عدم را شکافته و انوار وجودی ائمه (ع) را پدیدار ساخته است

۲-۳. حضرت فاطمه(س)؛ علت غایی برای استمرار نور نبوت در امامت

همان طور که در مقدمات اشاره شد، این حدیث را باید در چارچوب نظام «علل غایی» فهمید، نه «علل فاعلی». علت فاعلی آفرینش، ذات اقدس الهی است. اما علت غایی آفرینش، وصول به کمال مطلق و معرفت الله است که از طریق انسان کامل محقق می‌شود. پیامبر اکرم(ص) و امیر مؤمنان(ع) به عنوان مظاهر اتم انسان کامل، خود غایات اولیه آفرینش هستند. اما استمرار این غایت و بقای این نور هدایت در عالم، پس از پیامبر(ص)، از طریق سلسله امامت ممکن است. حضرت فاطمه(س) یگانه حلقه وصل میان نبوت خاتم و امامت علوی و نسل طاهر ایشان است.

بنابراین، «لَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُكُمْ» در این سیاق می‌تواند به این معنا باشد که اگر هدف از آفرینش شما (پیامبر و علی) و رسالت و ولایت شما، استمرار آن در قالب امامان معصوم و هدایت مستمر بشر از این طریق نبود، و اگر فاطمه(س) به عنوان یگانه طریق تحقق این استمرار و بقا وجود نمی‌داشت، آنگاه آن هدف نهایی (هدایت مستمر از طریق امامت) محقق نمی‌شد و در نتیجه، اصل آفرینش شما دو نور مقدس برای این غایت خاص، لغو می‌نمود. پس وجود حضرت فاطمه(س) شرط ضروری برای تحقق کامل علت غایی از خلقت انوار محمدی و علوی است (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۵-۱۲۵).

این معنا با حدیث معروف «فَاطِمَةُ أُمُّ أَيْبِهَا» نیز سازگار است. همان گونه که مادر، اصل و ریشه فرزند است، حضرت فاطمه(س) نیز اصل و ریشه درخت امامت و بقای رسالت پدرش، پیامبر اکرم(ص)، است.

۳-۳. حضرت فاطمه(س)؛ تجلی کوثر و واسطه فیض

سوره کوثر ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ﴾ در شأن حضرت فاطمه(س) نازل شده است. «کوثر» در عرفان به معنای خیر کثیر، منبع فیض بی‌پایان و حقیقت جامع محمدی(ص) است که از طریق حضرت فاطمه(س) در عالم منتشر می‌شود. ایشان به عنوان «کوثر»، مجرای فیض الهی از مقام نبوت به مقام امامت و از آنجا به کل عالم است.

امام خمینی (ره) در تعبیر عرفانی خود، حضرت زهرا (س) را «واسطه فیض میان نبوت و امامت» و «جامع جمیع کمالات انبیا و اولیا» معرفی می‌کنند (خمینی، ۱۳۷۸، ص ۵۳). از این منظر، «لولا فاطمه» یعنی اگر این واسطه فیض و این مجرای رحمت و اسعه الهی نبود، اتصال و سریان کامل نور نبوت به امامت و از آن طریق به سایر مراتب وجود، آن‌گونه که شایسته بود، صورت نمی‌پذیرفت.

۳-۴. حضرت فاطمه (س) و شب قدر

برخی عرفا میان حقیقت حضرت فاطمه (س) و «لیلة القدر» ارتباط برقرار کرده‌اند. همان‌گونه که شب قدر، ظرف نزول قرآن و منشأ برکات بی‌پایان است، وجود مقدس حضرت فاطمه (س) نیز ظرف وجودی امامان معصوم (ع) (که قرآن ناطق‌اند) و منشأ خیرات و برکات بی‌شمار برای عالم است. در برخی روایات نیز آمده است: «مَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ حَقًّا مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ»؛ «هر کس فاطمه را آن‌گونه که حق شناخت اوست بشناسد، همانا لیلۃ القدر را درک کرده است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۶۵). از این منظر، «لولا فاطمه» می‌تواند اشاره به این حقیقت داشته باشد که اگر این «ظرف» و این «شب قدر» وجودی نبود، تجلی کامل قرآن و استمرار آن در قالب امامان محقق نمی‌شد.

۳-۵. حضرت فاطمه (س) در حدیث کساء و اتحاد نوری اهل بیت (ع)

حدیث کساء بیانگر یک حقیقت نوری واحد است که خمسه طیبه (ع) را در بر می‌گیرد. هر یک از این انوار مقدسه در عین اتحاد، دارای تعین و نقش خاص خود هستند. حدیث «لولا فاطمه» می‌تواند ناظر به نقش محوری و بی‌بدیل نور فاطمی در این مجموعه نوری برای تحقق یک هدف خاص الهی (یعنی بقا و استمرار هدایت از طریق نسل ایشان) باشد. این همانند آن است که بگوییم اگر قلب نبود، مغز و سایر اعضا نمی‌توانستند به حیات خود ادامه دهند، بدون آنکه به معنای برتری مطلق قلب بر مغز باشد.

۴. مبحث چهارم: تبیین سازگاری حدیث با مراتب نبوت و امامت از منظر عرفانی

یکی از پرسش‌های مهم درباره این حدیث، چگونگی سازگاری آن با مقام افضل

و اشرف بودن پیامبر اکرم (ص) بر همه مخلوقات و سپس مقام والای امیر مؤمنان (ع) است. تحلیل عرفانی می‌تواند به حل این ظاهر متعارض کمک کند:

۱-۴. تفکیک جهات و مراتب افضلیت

افضلیت یک مفهوم مطلق و یک جهتی نیست. ممکن است یک شخص از یک جهت خاص بر دیگری برتری داشته باشد، اما در جهت دیگر، شخص دوم نقش محوری تری ایفا کند. در این جا نیز، مقام رسالت و خاتمیت پیامبر اکرم (ص) و مقام امامت عظمی و وصایت بلافصل امیر مؤمنان (ع)، در جای خود محفوظ و برتر است. اما حدیث «لولا فاطمه» به یک «جهت» خاص از افضلیت یا بهتر بگوییم «محوریت وجودی» حضرت فاطمه (س) اشاره دارد و آن نقش ایشان در «استمرار» و «به ثمر رساندن» غایت نبوت و امامت از طریق نسل طاهرشان است.

آیت الله جوادی آملی این معنا را با تمثیل زیبایی بیان می‌کنند: اگر باغبانی بخواهد نهالی بکارد (پیامبر) و سپس آن را آبیاری کند (امام علی)، اما هدف نهایی او میوه دادن آن درخت باشد (امامان از نسل فاطمه)، و اگر این میوه (هدف غایی) مد نظر نباشد، شاید اصلاً آن نهال را با آن زحمت نمی‌کاشت و آبیاری نمی‌کرد. در این جا، میوه (حضرت فاطمه و نسل ایشان) علت غایی برای آن زحمات است، نه اینکه خود میوه برتر از باغبان یا اصل درخت باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۰-۱۲۱).

۲-۴. نقش «قابلیت» در برابر «فاعلیت»

همان طور که در مبحث قبل اشاره شد، حضرت فاطمه (س) می‌تواند مظهر «قابلیت تامه» برای پذیرش و پرورش نور ولایت باشد. از این منظر، اگر این «قابل» بی‌نظیر وجود نمی‌داشت، «فاعل» (فیض الهی جاری از طریق نبوت و امامت اولیه) نمی‌توانست به نحو اکمل ظهور یابد و در عالم منتشر شود. این همانند نقش زمین پاک و آماده برای دریافت بذر و به بار نشانیدن محصول است. ارزش بذر در جای خود محفوظ است، اما بدون زمین مناسب، به ثمر نمی‌نشیند.

۳-۴. ولایت تکوینی و محوریت در نظام خلقت

از منظر عرفانی، اهل بیت (ع) دارای ولایت تکوینی بر عالم هستند و در نظام

اسباب و مسببات الهی، واسطه‌های فیض‌اند. حضرت فاطمه (س) نیز به‌عنوان یکی از ارکان این ولایت، نقش محوری در این نظام دارد. حدیث «لولا فاطمه» می‌تواند بیانگر این باشد که در هندسه تکوینی الهی، وجود ایشان برای تحقق کامل اهداف خلقت و سریان فیض در مراتب خاصی، یک ضرورت و محوریت غیرقابل انکار دارد. این محوریت، منافاتی با مراتب برتر دیگر اعضای خمسه طیبه در جهات دیگر ندارد.

مثال قلب که در طرح اولیه ارائه شد، در این جا نیز راهگشاست: قلب مرکز حیات بدن است و بدون آن، مغز (نماد نبی) و چشم (نماد امام) نمی‌توانند به وظایف خود عمل کنند. این بیانگر اهمیت حیاتی قلب است، نه برتری مطلق آن بر مغز از جمیع جهات.

۴-۴. نگاه از منظر «غایت» نه «مبدأ»

این حدیث، بیشتر ناظر به «غایات» و «نتایج» است تا «مبادی» و «علل فاعلی» به معنای مصطلح. یعنی اگر نتیجه نهایی و ثمره مطلوب از خلقت انوار محمدی و علوی (که همانا استمرار هدایت در قالب امامت از نسل فاطمه است) مد نظر نبود، آن مبادی نیز برای این هدف خاص خلق نمی‌شدند. این همانند آن است که بگوییم: «اگر نتیجه قبولی در امتحان نبود، درس نمی‌خواندم». این جمله به معنای برتری امتحان بر درس خواندن نیست، بلکه بیانگر هدف و غایت از آن فعل است.

۴-۵. حضرت فاطمه (س)؛ نقطه جمع احدیت و واحدیت اسماء

برخی عرفا مقام حضرت فاطمه (س) را مقام جمعی میان احدیت (بطون و غیب) و واحدیت (ظهور اسماء و صفات) دانسته‌اند. ایشان از یک سو «سرّ مستودع» الهی و دارای جنبه غیبی و بطونی عمیقی هستند و از سوی دیگر، منشأ ظهور انوار یازده‌گانه امامت در عالم کثرت. این جامعیت میان بطون و ظهور، می‌تواند یکی از وجوه تفسیر این حدیث باشد که بدون این نقطه جمع و این برزخیت کبری، فیض از غیب به شهود و از نبوت به امامت، آن‌گونه که باید، متصل نمی‌شد.

نتیجه‌گیری

حدیث «أُولَا فَاطِمَةُ لَمَّا خَلَقْتُكُمْ» از جمله احادیث عمیق و پرمغزی است که فهم ظاهرگرایانه آن می‌تواند چالش برانگیز باشد، اما با ورود به ساحت عرفان و تأویل باطنی، معانی بلند و شگرفی از آن آشکار می‌شود. از منظر عرفانی، این حدیث بیانگر نکات زیر است:

محوریت وجودی حضرت فاطمه (س): ایشان صرفاً یک شخصیت تاریخی نیستند، بلکه دارای یک حقیقت نوری و جایگاه تکوینی بی‌بدیل در نظام آفرینش‌اند.

علت غایی برای استمرار هدایت: وجود مقدس حضرت فاطمه (س) علت غایی برای بقا و استمرار نور نبوت در قالب سلسله امامت و تحقق کامل اهداف الهی از این طریق است.

مظهر اتم اسماء الهی: ایشان مظهر اسماء جمال، لطف، رحمت و اسعه و همچنین اصل قابلیت در پذیرش و پرورش فیض الهی هستند.

واسطه فیض و کوثر وجودی: حضرت فاطمه (س) به عنوان کوثر، مجرای سرریان خیر کثیر و فیض الهی از مقام نبوت به امامت و به کل عالم است.

عدم منافات با مراتب نبوت و امامت: این حدیث به معنای برتری مطلق رتبی حضرت فاطمه (س) بر پیامبر (ص) و امام علی (ع) در همه جهات نیست، بلکه ناظر به یک نقش محوری و ضرورت وجودی خاص در تحقق غایت الهی است. همان‌گونه که قلب برای حیات سایر اعضا ضروری است، وجود فاطمی نیز برای به ثمر نشستن کامل رسالت و ولایت (در قالب استمرار امامت) ضرورتی تکوینی دارد.

در نهایت، واکاوی عرفانی این حدیث نشان می‌دهد که حضرت فاطمه زهرا (س) نه تنها سیده نساء العالمین در عالم مُلک، بلکه دارای مقامی رفیع در ملکوت و جبروت و یکی از ارکان اصلی نظام تکوین و تجلیات الهی است. شناخت این مقام، به تعمیق معرفت ما نسبت به اهل بیت (ع) و درک بهتر اسرار عالم هستی کمک شایانی می‌کند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه (ترجمه و شرح فیض الاسلام).
۳. اربلی، علی بن عیسی. (بی تا). کشف الغمة فی معرفة الأئمة. بیروت: دار الأضواء.
۴. آملی، سید حیدر. (۱۳۶۸ش). جامع الأسرار و منبع الأنوار. تصحیح هانزی کربن و عثمان اسماعیل یحیی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۵. ابن عربی، محیی الدین. (بی تا). فصوص الحکم (تعلیقات ابوالعلاء عفیفی). بیروت: دارالکتب العربی.
۶. ابن عربی، محیی الدین. (بی تا). الفتوحات المکیة. بیروت: دار صادر.
۷. امام خمینی، سید روح الله. (۱۳۷۸ش). شرح دعای سحر (ترجمه و شرح سید احمد فهری). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۸. امام خمینی، سید روح الله. (۱۳۷۲ش). مصباح الهدایة إلى الخلافة و الولاية (مقدمه و تصحیح سید جلال الدین آشتیانی). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۹. بحرانی اصفهانی، شیخ عبدالله. (۱۴۱۳ق). عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال (قسم فاطمة الزهراء). تحقیق مؤسسه الإمام المهدي (عج). قم: مؤسسه الإمام المهدي (عج).
۱۰. جیلی، عبدالکریم بن ابراهیم. (۱۹۸۱م). الإنسان الكامل فی معرفة الأوائل و الأوائیل (تحقیق ابی عبدالرحمن صلاح بن محمد بن عویضه). بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸ش). نشریه الکترونیکی اسراء (شماره ۳). قم: نشر اسراء.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۲ش). زن در آئینه جلال و جمال. قم: نشر اسراء.
۱۳. خوارزمی، موفق بن احمد. (۱۴۲۳ق). المناقب (تحقیق شیخ مالک محمودی). قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۱۴. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد. (۱۴۱۳ق). میزان الاعتدال فی نقد الرجال (تحقیق علی محمد البجاوی). بیروت: دار المعرفه.
۱۵. رازی، فخرالدین محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۶. سبزواری، ملاهادی. (۱۳۷۹ش). شرح الأسماء الحسنی (شرح دعاء الجوشن الکبیر) (تصحیح و تعلیق حسن حسن زاده آملی). تهران: نشر ناب.
۱۷. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن. (۱۴۲۱ق). الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور. بیروت: دار الفکر.
۱۸. شبیری زنجانی، سید موسی. (۱۳۸۹ش). جرعه ای از دریا (ج ۲). قم: مؤسسه کتاب شناسی

واکاوی عرفانی گزاره حدیثی «لَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُكُمْ» و تبیین سازگاری آن با مراتب نبوت و امامت/ مهدی عبادی ۱۲۷

شیعه.

۱۸. طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

۱۹. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ش). مجمع البیان لعلوم القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.

۲۰. طبری، محب‌الدین احمد بن عبدالله. (بی‌تا). ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی. قاهره: مكتبة القدسی.

۲۱. عاملی، شیخ حر. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة. قم: مؤسسه آل‌البت (ع) لإحياء التراث.

۲۲. قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم. (۱۴۲۲ق). ینایع المودة لذوی القربی (تحقیق سید علی جمال اشرف الحسینی). قم: دار الأسوة.

۲۳. قیصری، داود بن محمود. (۱۳۷۵ش). شرح فصوص الحکم (به کوشش سید جلال‌الدین آشتیانی). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

۲۴. کرین، هانری. (۱۳۷۳ش). تخیل خلاق در عرفان ابن عربی (ترجمه انشاء الله رحمتی). تهران: جامی.

۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی). تهران: دار الکتب الإسلامية.

۲۶. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. بیروت: مؤسسه الوفاء.

۲۷. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۰ش). آذرخشی دیگر از آسمان کربلا (تحلیل قیام حسینی). قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

۲۸. ملاصدرا (صدرالدین شیرازی). (۱۹۸۱م). الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

۲۹. میرجهانی، سید محمدحسن. (۱۴۱۸ق). الجنة العاصمة (تحقیق و نشر ابوالفضل عباسی زنجانی). قم: کتابخانه علامه میرجهانی.

۳۰. عاملی، شیخ حر. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة. قم: مؤسسه آل‌البت (ع) لإحياء التراث.